

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۱۴ نوامبر ۲۰۰۸ آلمان

سلام ، ای مهربان خواهر

شنو ،

شنو ، ای مهربان خواهر

سلام. این برادر را ،

ز اعماق همان قلب.

پُر از صدق و صفای

خواهری . خود ،

پذیرا شو

پذیرا شو سلام. این برادر را

تو ای خواهر

پذیرا شو پذیرا

شنو ای مهربان خواهر

ترا من دوست دارم ،

مثل یک خواهر

به مثل خواهری که ،

خواهری که دوست دارد

او برادر را

برادر را که از یک مادر و

از یک پدر ،

در خانه و کاشانه ای

پُر از صفا و مهربانی ها

پُر از عشق و محبت ها

پُر از صدق و صداقت ها

چو گلهای بهاری که

در باغ وفا رویده و

عمری به سر برده

شنو ای مهربان خواهر

ترا من دوست دارم

به مثلِ عطرِ گلها ،

به مثلِ عطرِ گلهای بهاری که

عالم را معطر کرده و

رنگِ صداقت

رنگِ الفت

رنگِ وحدت

رنگِ دیدارِ عزیزان را ،

بر جهان و اهلِ آن

با ناز می پاشد

ترا من دوست دارم چون فرشته ،

کامده از آسمان ،

با مژده ها و با پیامِ شادمانی ها ،

به آنانیکه دایم ، چشم بر راهند ،

به آنانیکه دایم چشم بر راهِ عزیزان اند ،

به آنانیکه دایم چشم بر راه ، انتظارِ دوستان و

خویش و قوم و اقربا ، حتا

برادر

خواهر و مادر

فرزند و پدر هستند

و تو ای خواهر من ،

و تو ای خواهر من ،
 با مهارت ، با شهامت ،
 با درایت ، با شرافت ،
 در امید را بر روی ایشان ،
 باز می سازی
 و هجران را مبدل بر وصال و
 اشک درد و ، رنج دوری و ، فراق ، دوستان را ،
 پاک می داری
 و پیوند های شانرا با محبت ،
 از ره امواج (TV) جهانی ، (آریانا) ،
 سخت محکم ،
 در نهایت روح و ریحان ،
 با سر انگشتان وحدت آفرین خود ،
 گره بنموده می بندی
 و بر غمخانه ها ، ماتمسرا ها
 پرتو و نور و نشاط و شادی های ،
 وصل و پیوند محبت ، وحدت و مودت و امید را ،
 افشانده ، تاری ظلمت شب را
 به آبی روز می سازی
 به تو تبریک میگویم
 که هستی مصدر خدمت به هموعان خود ،
 وطنداران خود ، به تو تبریک میگویم
 مبارکباد میگویم
 درود و احترام و حرمت و تکبیر میگویم
 اگر چه چون برادر کوچک شوخ و فضول و ،
 خیلی گستاخم برایت ،
 اگر چه چون برادر کوچک شوخ و فضول و ،
 خیلی گستاخم برایت ،

به نظم و نثر از لطف و محبت ها و احساسم برایت ،
از طریق تلیفون ، امواج تصویری ،
به روی صفحه تدبیر منزلها ،
که ظاهر میشوی گه گه ،
مزاحم گشته و هر دم ،

سرود و شعر میخوانم

فقط مثل برادر ، بر تو ای خواهر. ولی بنگر ،

عزایلان دوران فکر بد دارند

و در آینه چرک و کثیف خود

تماشا کرده بی باکانه خود را دیده

چون زاغ و زغن ، نق نق همی دارند

به احساسات پاک خادمین عالم انسان

چه بی شرمانه می بینند و ، پس پس کرده می

خندند

که نیش خند شان قلب حزین پر ز احساس روان

طبع چون آموی طوفانزای ما را ، ناگهان بشکست

که بشکن بشکنش ، یک انقلابی را به پا بنمود و ،

قطره اشکی از چشم وفای خامه تدبیر طبعم

این چنین بر صفحه شک عزایلان دوران ،

ناگهان غلتید .

همینجا نقطه ها بگذاشته گویم خدا حافظ!

همیشه کامگار و شاد باشی!

موفق ، کامیاب و سرخوش و آزاد باشی

خدا حافظ

خدا حافظ ترا خواهر

خدا حافظ
